



## ثبث است بر جریدهٔ عالم دوام ما-۶

حافظ شیرین سخن لب و آباب مطلب را در همین یک بیت چه زیبا گنجانیده است:

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبث است بر جریدهٔ عالم دوام ما

البته این عشق، می تواند عشق به معشوق باشد، که این معشوق می تواند به نوبهٔ خود، مادر باشد، یا میهن، یا مردم، یا حیوان یا انسان، یا پرنده، یا چرنده و یا هم طبیعت و آفتاب و مهتاب و آسمان و ستاره و... و این عشق در روانشاد "مرجان کمال" نسبت به وطن و وطندار و کوه و کمر و آب و خاک و رسوم و رواج ها و خلاصه هر آنچه در مورد وطن و وطندار بود، به حد اعلی خود رسیده بود و همین عشق ملکوتی او بود که نام نامی او را تا ابد زنده نگهداشته و در جریدهٔ عالم به ثبث رسانیده است. به همین مناسبت از مادر داغدار شان، خواهر گرامی ما، داکتر صاحب "فریده جان نوری" خواهش کردیم تا دست نوشته های ایشان را به زبان زیبای پشتو در اختیار ما قرار دهند و ایشان از روی لطف همیشگی به خواهش ما لبیک گفته و اندک دست نویسی های آن زنده یاد را در اختیار ما قرار دادند که سلسه وار و به وقفه ها در اختیار هموطنان قرار میدهیم، تا هم از آن زنده یاد قدردانی صورت گرفته باشد و هم هموطنان ما به نوبهٔ خود از آنها لذت برند و هم جوانان ما را مایهٔ دلگرمی به میهن و مردم و زبان مادری شان باشد. این هم یک نمونهٔ دیگر از خط و کتابت زیبای آن روانشاد به زبان گیرای پشتو. یاد شان همیشه گرامی باد و روح و روان شان شاد!

استقلال - خیلواکی

لوي پېر زلفونکې زما ملېدن راوړه  
که پر داکې پېر آهو د خن راوړه  
خاصيت لري د گل تنېم دهان  
بېس له کاله دې خو ورځې ديدن راوړه

